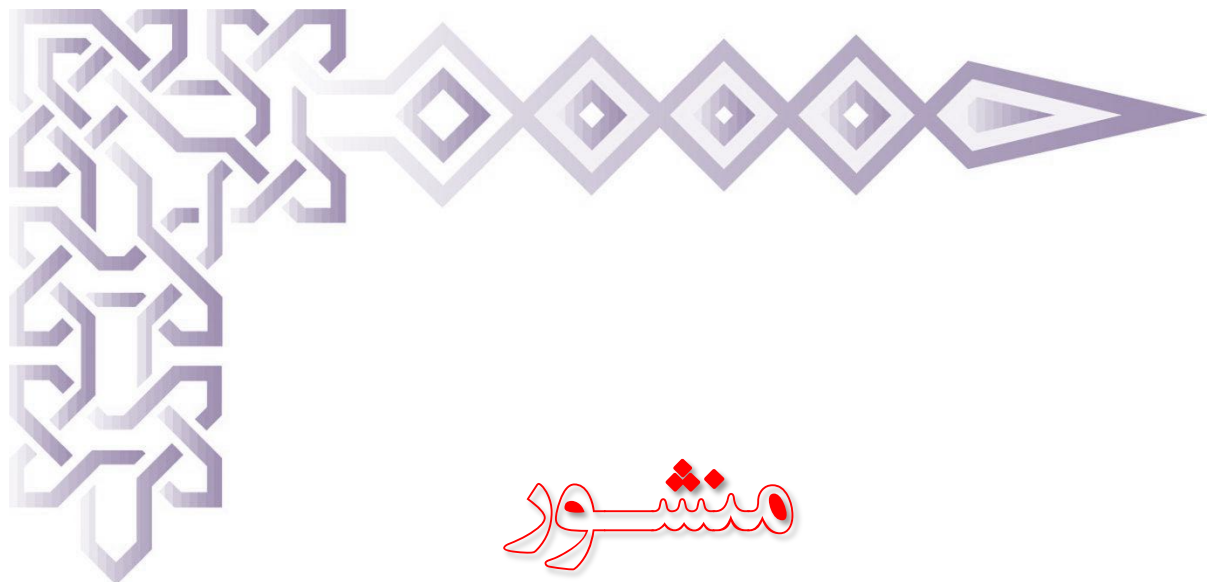




مَشْهُور

امّت اسلام

سند جامع تبیین رویکرد نظام
به موضوع وحدت و یکپارچگی امّت اسلام

[پیش‌نویس اول: اردیبهشت ۱۳۹۳]



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مندرجات

← تعاریف اصطلاحات

تعریف اجمالی اصطلاحات به کار رفته در سند، در راستای القای فهم صحیح از آن

← اصول حاکمیت اسلامی

فهرستی از مبانی زیربنایی اسلامی در امر حاکمیت

← راهبردهای وحدت امت اسلام

بیان راهبردهای کلی نظام اسلامی برای دستیابی به وحدت اسلامی

← مبانی دستیابی به راهبردها

اهداف آرمانی و شرایط واقعی نظام اسلامی که راهبردهای کنونی را ایجاب می‌نمایند

← وظیفه نهادهای حاکمیتی نظام

تشریح تکالیف قوای سه‌گانه نظام و نهادهای ویژه در حفظ و تقویت وحدت امت اسلام

← وظیفه جامعه اسلامی

تکلیف نخبگان، اندیشمندان و عموم مردم در تحکیم وحدت امت اسلام

← وضعیت سند

توضیح سوابق سند جاری و شرح تولید و تصویب



تعاریف اصطلاحات

رویکرد:

سبک، راه و روش، شیوه، منش و طریقه رفتار در یک موضوع مشخص را رویکرد می‌نامیم. رویکرد توصیف‌کننده رویه‌ای است که در رفتار فرد یا نظام نهادینه شده و پیوسته صورت می‌پذیرد. عکس‌العمل مشخصی نسبت به موضوعی مشخص.

حقوق اجتماعی:

هر فرد یا گروه از هر نظام اجتماعی دارای حقوقی است که یا بالذات واجد آن است و یا بواسطه‌هایی از سوی نظام اجتماعی به او اعطا شده است. حقوقی که در حفظ و پیشرفت نظام اجتماعی و اعتلا و رشد آحاد آن نظام نقش دارند. این حقوق در سه گروه «حقوق سیاسی»، «حقوق فرهنگی» و «حقوق اقتصادی» قابل دسته‌بندی هستند.

تفتیش عقاید:

پرس و جو، کاوش و کندوکاو آن دسته از نگرش‌های اعتقادی و ایدئولوژی و جهان‌بینی فرد که بروز روشنی در رفتار او ندارند، به نحوی که غرض از آن ایجاد نوعی تبعیض یا محدودیت در حقوق اجتماعی وی باشد. بدیهی است اگر فرد اعمالی را به انجام رساند که وی را منتسب به اندیشه‌ای خاص نماید، اطلاع از این گرایش تفتیش عقاید محسوب نمی‌گردد. تفتیش عقاید صراحتاً منسوب به گرایشاتی است که فرد به هر دلیل پنهان نموده. تلاش برای کشف این اعتقادات پنهانی «تفتیش عقاید» نامیده می‌شود. مطابق اصل ۲۳ قانون اساسی، تفتیش عقاید ممنوع است و صرف داشتن عقیده‌ای نمی‌تواند مستلزم تعرض و مؤاخذه باشد.

ترویج عقاید:

دعوت از پیروان سایر ادیان، مذاهب و مکاتب به پیروی از اندیشه‌ای خاص را ترویج عقاید می‌نامیم، فارغ از این که فرد مروج خود به عقیده ترویجی معتقد باشد یا خیر. ترویج می‌تواند بر بستر قول، فعل و یا حتی سکوت و تقریر تحقق یابد و یا از ابزارهای خواندنی، دیداری، شنیداری، چندرسانه‌ای، هنری، مانند: کتاب، نشریه، فیلم، نقاشی، موسیقی، خط، مجسمه‌سازی، معماری و غیره بهره برد.

تکفیر:

کافر خواندن فرقه‌ها، مذاهب، مکاتب و افراد و گروه‌هایی که خود مدعی ایمان به خدای متعال می‌باشند. حتی اگر این ادعا کذب باشد و در قلب آنان ایمان راه پیدا نکرده، مادامی که نفی ضروری دین و مشترکات مذاهب ننموده باشند و صراحتاً نفی وجود پروردگار نکنند، کافر نامیدن آنان «تکفیر» محسوب می‌شود.

ناهنجاری اجتماعی:

هر رفتاری که مخالف ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته نظام اجتماعی باشد، به نحوی که بیانگر نوعی مقابله و هجمه به ارزش مورد نظر بوده و مُشعر به نفی آن باشد، ناهنجاری تلقی می‌گردد. حتی اگر به غرض نافرمانی مدنی و اجتماعی نباشد. ملاک در شناخت ناهنجاری اجتماعی مخالفت آشکار با سیره متشرعین در رفتار اجتماعی خویش است. طبیعتاً بخشی از این سیره مستقیماً از متون وحیانی اخذ شده و پاره‌ای به مرور زمان از رفتار صالحین و نخبگان دینی گرت‌برداری شده است.

جرم‌انگاری:

جرم به هر فعل یا ترک فعلی گفته می‌شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. جرم‌انگاری به معنای بررسی و شناسایی افعال ناهنجاری است که به دلیل آسیبی که به نظام اجتماعی و یا آحاد آن وارد می‌آورند بایستی مجازاتی متناسب با شدت آن آسیب برای آن‌ها تدبیر گردد. این مجازات باید بازدارنده باشد و بتواند اکثریت افراد دارای انگیزه برای اعمال آن جرم را از مبادرت به آن منصرف نماید. پس از تعیین مجازات قانونی، آن فعل تبدیل به یک جرم می‌شود و قدرت پیگرد حقوقی یا کیفری فاعل آن را به مسئولین انتظامی می‌دهد.

وحدت:

حفظ یکپارچگی آحاد اجزاء در یک کلّ به نحوی که در تعامل با هم بتوانند سازوکار آن مجموعه را مستحکم نگهدارند، آن را از آسیب‌ها حفظ نمایند و در مسیر پیشرفت و تعالی به حرکت درآورند. لازمه وحدت، یکسانی و تشابه کامل اجزاء با یکدیگر نیست. مهم تأثیر و تأثرهای متناسب با اهداف است، یا همان عدل به معنای قرارگیری هر جزء در مکان و موقعیت مناسب خود. مهم متبجّه آن کلّ است که اگر متشتت نباشد، بیانگر وحدت آحاد است.

امّت اسلام:

جماعت بزرگی از مسلمانان که تحت لوای «توحید» در آمده و معتقد به «نبوت» خاتم انبیاء می‌باشند و سرنوشت انسان را پوچ و تهی تلقی ننموده، در قالب «معاد» قائل به بازگشت بشر هستند، برای دیدن سزای عمل خویش. امّت اسلام همان امتی است که پروردگار آنان را «واحد» خوانده است: ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾^۱ هر فردی که به اصول مشترکه دین شهادت بدهد داخل در امّت اسلام است.^۲

فرقه ضالّه:

هر گروه معتقد به اندیشه‌ای منحرف و ناروا که به دلیل اساس نادرست اعتقادی خود نمی‌تواند در جرگه مذاهب و فرقه‌های اسلام قرار گیرد و خواه‌ناخواه به وحدت امّت اسلام آسیب وارد می‌آورد فرقه ضالّه نامیده می‌شود. در این سند قصد قضاوت نسبت به حق و ناحق بودن مذاهب و فرق را نداریم، لکن آن دسته از فرقه‌هایی که اساساً به دلیل رفتار تشّت‌زایی که مبتنی بر باورهایی نادرست است نمی‌توانند وحدت اسلامی را بپذیرند ضالّه محسوب می‌شوند. طبیعتاً فرقه‌هایی که تحت لوای نظام‌های استکباری و استعماری و به صورت سیاسی ایجاد شده‌اند و مسیر طبیعی پیدایش خود را نیموده‌اند بارزترین مصادیق فرقه‌های ضالّه می‌باشند.

مذهب رسمی:

شاخه‌ای از دین که از سوی نظام حاکم بر قلمرو جغرافیایی «حق» محسوب می‌گردد و اجازه نشر و ترویج و گسترش به آن داده می‌شود. بر حق دانستن مذهب رسمی به معنای عدم جواز اعتقاد به سایر مذاهب نبوده و مجازاتی برای سایر فرق محسوب نمی‌گردد. رسمی بودن یک مذهب، حقوق اجتماعی سایر مذاهب و ادیان را نفی نمی‌کند. مذهب رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی «جعفری اثنی‌عشری» و غیرقابل تغییر است. بر اساس همین اصل، مذاهب دیگر اسلامی دارای احترام کامل بوده و در عمل به فقه خود آزادند.

اقلیت مذهبی:

گروهی از هم‌کیشان و هم‌دینان در محدوده‌ای جغرافیایی که مذهبی متفاوت از مذهب رسمی نظامی دارند که اداره آن منطقه را بر عهده دارد، اگر چه در دین و باورهای اصولی با نظام حاکم اشتراک دارند.

اقلیت دینی:

هم‌وطنان معتقد به هر کدام از ادیان معتبر شناخته شده غیر از دین اسلام که دین رسمی نظام است. اقلیت‌های دینی معتبر به تصریح قانون اساسی شامل زرتشتی، کلیمی و مسیحی می‌گردد. این اقلیت‌ها در عمل به تعالیم دین خود در حدود قانون مجاز می‌باشند.

حقوق انسانی:

هر فرد غیرمسلمان حتی اگر از اقلیت‌های دینی معتبر نباشد، به تصریح اصل ۱۴ قانون اساسی مادامی که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی توطئه ننماید واجد تمامی حقوقی است که یک انسان از آن برخوردار است. او این حق را دارد که با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی با او عمل شود.^۳

اعراض، دماء و اموال:

آبروی فرد را عرض گویند و آن جایگاه و منزلت و موقعیت اجتماعی وی است در جامعه که به واسطه آن اعتبار و شهرت می‌تواند روابط اجتماعی خود با سایر آحاد را تداوم بخشد. من باب «عرض المؤمن کدمه» هر گونه تعرض و هدم و کاستن از این پذیرش اجتماعی فرد، به واسطه نشر اکاذیب، زدن تهمت، کشف سرّ و اعلان معاصی پنهان، حرام می‌باشد، مگر به جهت مصالحی از سوی شرع به عنوان مجازات یا ابزار پیشگیری از جرم‌های آتی.

دماء کنایه از حیات و زندگی بشر است که اگر مورد تعدی قرار گیرد و جان وی ستانده شود، تمام سرمایه او برای بودن در دار امتحان که عبارت باشد از «حیات» و «عمر» دنیوی سلب شده است.

اموال حکایت از همه دارایی‌های منقول و غیرمنقول فرد است که شارع تعلق آن را به فرد اعتبار نموده و رسمیت بخشیده است. به غیر از طرق معینه شرعیه نمی‌توان مالی را از ملکیت مالک خارج نمود.

فتنه:

هر گونه فعالیت تبلیغی، سیاسی، امنیتی، نظامی برای بر هم زدن آرامش نظام اسلامی و آسیب زدن به وحدت و امنیت ملی و یکپارچگی امت اسلام که معمولاً با عوام‌فریبی و تدلیس همراه است.

اصول حاکمیت اسلامی

بنا بر اعتقادات اسلامی هر انسانی که به سه اصل «توحید»، «نبوت» و «معاد» شهادت دهد مسلمان محسوب می‌گردد و اعراض، دماء و اموال این افراد محترم است و بایستی مصون بماند. همچنین در خصوص غیرمسلمانانی که در بلاد اسلامی و در زیرسایه اسلام زندگی می‌نمایند، چه از اهل کتاب باشند و چه کافرانی که مالیات معینه (جزیه) می‌پردازند، نیز همین اصل جاری است.

بنا بر این اصل اولی، نظام اسلامی مبتنی بر اصول ذیل حاکمیت خود را اعمال می‌نماید:

۱. هدف نظام اسلامی تحکیم وحدت میان مسلمین برای **صیانت از اعراض، دماء و اموال** آنان در مقابل مستکبرین عالم است.^۴ قدرت مورد نیاز برای چنین صیانتی تنها از مجرای «وحدت کلمه» حاصل می‌گردد.
۲. **داشتن هر عقیده و مذهب، حق یا باطل، تا زمانی که به مرحله دعوت و ترویج نرسیده باشد و مخلّ به اعراض، دماء و اموال مسلمانان یا غیرمسلمانان نگردد مستوجب مجازات نمی‌باشد و جرم تلقی نمی‌گردد.**
۳. زندگی در جامعه اسلامی و تحت لوای نظام و بهره‌مندی از حقوق اجتماعی اسلام نیازمند احراز اعتقادی نمی‌باشد و **تفتیش عقاید** در هر حدّ و اندازه‌ای غیرقابل پذیرش و حرام می‌باشد.^۵
۴. **تصدی مناصب** سیاسی، فرهنگی و اقتصادی لاجرم محتاج احراز صلاحیت فرد، متناسب با حساسیت منصب مورد نظر است. این احراز صلاحیت ممکن است در پاره‌ای موارد نیازمند مشخص بودن عقاید باشد. در مناصب حسّاس نمی‌توان به ادعای متقاضی تصدی منصب اعتماد نمود. شایستگی در این موارد حتماً از طریق مُعرفین و ادله مقتضی باید احراز گردد. اما عدم احراز صلاحیت برای تصدی منصب روشن است که سایر حقوق اجتماعی را سلب نمی‌کند.
۵. هر گونه تعرّض به اعراض، دماء و اموال مسلمانان یا غیرمسلمانان تحت سرپرستی نظام اسلامی جرم تلقی می‌گردد و اگر محرز شود اندیشه و باور خاصّی مباشرتاً از طریق ترویج افکار مضرّ موجب تعرّض است، **فرقه مذکور ضالّه تلقی شده** و تظاهر به آن جرم محسوب خواهد شد.^۶
۶. اگر احراز شود آثار هنری، نگارشی یا چندرسانه‌ای تولید شده بر بستر یک مکتب و عقیده‌ای، اسباب تعرّض به اعراض، دماء و اموال را پدید آورده باشد، **تولید و انتشار آن آثار جرم تلقی شده** و مکتب مزبور نیز اگر از آن آثار برائت نجوید، مباشر در جرم محسوب گردیده و ضالّه به شمار می‌آید.
۷. **اصل در مواجهه با تمامی عقاید و باورها «برائت» است.** لذا تا زمانی که ضالّه بودن یک فرقه، مکتب یا مذهب احراز نشده است، از حقوق مصرّحه در قانون اساسی برخوردار خواهد بود.^۷

راهبردهای وحدت اُمت اسلام

از بررسی تهدیدهایی که نظام اسلامی با آنها مواجه است و فرصتهایی که در پیش رو دارد و ارزیابی قوت‌های نظام اسلامی و ضعف‌های مقطعی در این مرحله از تاریخ، اصولی به عنوان راهبردها و استراتژی‌های نظام در حفظ و اعتلای وحدت اُمت اسلام در نظر گرفته شده است.

این اصول راهبردی کلان از یک سو جهت حرکت نظام اسلامی در موضوع مذکور را تبیین می‌نماید و از سوی دیگر مبنای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت قرار می‌گیرد.

۱. آزادی گرایشات: آزادی گرایش، تفکر، اندیشه، باورها و عقاید نعمتی است خدادادی به بشر. این نعمت مادامی که منجر به رفتار مجرمانه نشده و یا با ترویج خود اسباب تفرقه اُمت اسلام را پدید نیاورده نباید سلب یا محدود شود. این آزادی فرصتی است برای رشد و تعالی بشر بر اساس اختیار گرایشات، اندیشه‌ها و افعال سره و صحیح.^۸

۲. علمی سازی گفتگوها: تمامی تقابلات میان مذاهب و اختلافات آراء باید در مسیری کاملاً علمی و در فضایی نخبگانی طرح و بررسی گردد. طرح اندیشه‌ها و گرایشات در چنین فضاهای خاصّ نباید مستوجب عواقب برای افراد باشد. بدینوسیله از جاری شدن اختلافات در سایر مسیرهای تنش‌زا و طرح اختلافات در محیط‌های عمومی و غیرنخبگانی جلوگیری خواهد شد.

۳. ارتقاء روابط نخبگانی: ارسال هیئت‌های علمی به مراکز آموزشی و پژوهشی مذاهب مختلف اسلامی و دعوت از هیئت‌های علمی آنان برای حضور در مراکز آموزشی و پژوهشی داخل کشور، راهبردی جهت افزایش روابط بین مذاهب در سطح نخبگانی است که می‌تواند فاصله‌ها را بکاهد و در راستای یکپارچگی اُمت اسلام عمل نماید.

۴. مجازات بازدارنده: از باب ﴿الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ﴾^۹ هر گونه رفتار و یا نشر آثاری که به عنوان آسیب برای وحدت اُمت اسلام جرم‌انگاری شده باشد، به شدت و دقت و سرعت باید مورد پیگرد حقوقی و کیفری قرار بگیرد. اگر سوء رفتار مذکور متعلّق به فرد باشد، آن فرد مجازات می‌شود و اگر احراز شود رفتار مزبور ناشی از گرایشات فرقه یا مذهب خاصّی است، آن فرقه در فهرست فرق ضالّه قرار خواهد گرفت و از تمامی حقوق مذاهب آزاد در نظام اسلامی محروم خواهد شد.

۵. **امّت جهانی:** امّت اسلام بایسته است که به مثابه یک امّت جهانی تلقی شود و محدود به یک منطقه جغرافیایی خاصّ نگردد. از این منظر تمامی مسلمانان جهان به عنوان امّت اسلامی در دایره صیانت اعراض، دماء و اموال نظام اسلامی قرار دارند.

۶. **آزادی مناسک:** مذاهبی که در فهرست فرق ضالّه قرار نداشته باشند بایستی در انجام مناسک مذهبی خود در گستره پیروان‌شان آزاد باشند، تا زمانی که این مناسک تهدیدی برای اعراض، دماء و اموال سایرین محسوب نگردد.

۷. **حرمت اهانت:** از اهانت، توهین و به‌کارگیری ادبیات تکفیری نسبت به هر مذهبی که در فهرست فرق ضالّه قرار نداشته باشد باید پرهیز و ممانعت شود، جرم‌انگاری شده و برای آن مجازاتی متناسب لحاظ گردد.

۸. **عدالت اسلامی:** نظام اسلامی در توزیع مواهب الهی و درآمدهای ملی و عمران و آبادانی مناطق رویکردی بر مبنای مساوات و برابری مطابق عدالت اسلامی دارد و هیچ فرد یا گروهی را به صرف داشتن اعتقاد و باوری خاصّ از این نعمت‌ها محروم نخواهد کرد. به موجب ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُ﴾^{۱۰} نژاد، رنگ، زبان، جنسیت، طبقات اجتماعی، میزان درآمد و مذهب هیچکدام ملاکی برای تبعیض در برخورداری از نعمت‌ها قرار نمی‌گیرد.

۹. **پیگرد امنیتی:** در مواجهه با تهدیدات استکبار جهانی علیه یکپارچگی امّت اسلام که به هدف ایجاد اختلاف در مذاهب اسلامی و تجزیه امّت اسلام در راستای سلطه و غارت اموال و هدم اعراض و ریختن دماء طراحی و اجرا می‌گردد، نظام اسلامی راهبردی امنیتی اتخاذ می‌نماید. اگر احراز شود فرد، گروه یا فرقه‌ای در ارتباط با این هدف استکبار فعالیت نموده و در پایگاهی مشخص تجهیز می‌شود، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی بایستی مداخله نموده و چنین غده‌های سرطانی را شناسایی و متلاشی نمایند.

۱۰. **یکپارچه‌سازی عملکرد نظام:** نظام اسلامی متشکل از حاکمیت و مردم است. رویکرد نظام اسلامی نسبت به وحدت امّت اسلام کاملاً روشن و واضح می‌باشد. باید تلاش شود آحاد مردم در تمامی اقشار و طبقات اجتماعی؛ طلبه، بازاری، محصل، کشاورز، صنعتگر، کارگر و کارمند و مسئولین در تمامی سطوح حاکمیت با رویکرد نظام اسلامی آشنا شوند و بدان ملتزم گردند.

۱۱. **وحدت با حفظ هویت:** مسأله وحدت امّت اسلام در سایه تمامی اختلافات عقیدتی، فقهی و جزئی در مناسک عملی مطمئن نظر است. لذا راهبرد نظام اسلامی حفظ هویت‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی است و حاکمیت، هر نوع تلاشی برای هدم تفاوت‌ها و سنت‌ها و باورهای اقلیت‌ها را نادرست می‌داند. مگر در مواردی که رسم و سنت یا اعتقاد و باور مذکور سبب تعرض به اعراض، دماء و اموال غیر شود.

راهبردهای فوق بر مبنای سیره معصومین، صلوات‌الله‌علیهم اجمعین، اخذ شده و رویکرد همیشگی و پیوسته نظام اسلامی از ابتدای تأسیس تا کنون بوده است و علمای بزرگ اسلام قرن‌ها در مسیر تحقق آن گام برداشته‌اند.



مبانی دستیابی به راهبردها

با توجه به این که راهبردها، اصولی کلی بوده که تبیین کننده جهت گیری نظام در راستای دستیابی به اهداف آرمانی، مقید به واقعیت های بیرونی (تهدیدات و فرصت ها) و توانمندی های درونی (قوت ها و ضعف ها) است و به نوعی در صدد است آرمان های متعالی را با محدودیت ها و امکانات واقعی موجود آشتی دهد، به نظر مفید می رسد در این بخش از سند، مواد اولیه ای که دستیابی به راهبردها را ممکن ساختند بیان شوند.

اهداف آرمانی نظام اسلامی

نظام جمهوری اسلامی ایران از بدو پیدایش در صدد بوده است تا:

۱. تمدن حقّه اسلامی را بر منطقه ای از عالم بگسترده
۲. از آزادی خواهان جهان در برابر سلطه گران حمایت نماید
۳. نظام عدل اسلامی را در تمامی زمینه های معنوی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی جاری سازد
۴. آزادی های اساسی ارزش آفرین را که شرط لازم برای شکوفایی استعدادها و توانایی هاست برقرار نماید
۵. به سلطه اقتصادی بیگانگان و چپاول منابع و نیروی کار پایان دهد
۶. فقر و محرومیت را با تأکید بر ارزش کار ریشه کن کند
۷. نظام آموزشی را متکی بر مبانی اخلاقی، اجتماعی و تربیتی اسلام بنا نماید
۸. ارتشی با ایمان و مستقل که وسیله سرکوبی ملت نبوده و مدافع مرزهای کشور باشد ایجاد کند
۹. ریشه های فساد و فحشا را به عنوان مانعی بزرگ در راه شکوفایی استعداد های نسل جوان خشک نماید
۱۰. سیاست خارجی را مبتنی بر استقلال نظام و احترام به استقلال و آزادی ملت های دیگر و توسعه و تحکیم روابط برادرانه با همه مسلمانان جهان در زمینه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و داشتن روابط دوستانه با همه ملت های غیرمتجاوز و کمک به محرومان و مستضعفان جهان و حمایت همه جانبه از ملت هایی که در راه حق و عدل و آزادی مبارزه می کنند تنظیم کند.

تهدیدات نظام اسلامی

۱. استکبار جهانی و دولت های استعمارگر، علی الخصوص آمریکای جنایتکار و اسرائیل غاصب
۲. گروه های تکفیری خارجی و داخلی
۳. تعیین شدن مرزهای بین المللی به نحوی که همواره نوار مرزی ایران دستخوش هرج و مرج باشد

۴. سرازیر شدن منابع مالی فراوان از سوی دشمنان نظام به سوی فرق ضالّه
۵. تلاش فرقه‌های ضالّه برای نفوذ استراتژیک و تغییر ترکیب جمعیتی کشور
۶. سوءاستفاده دشمنان از فضای غبارآلود و عدم شفاف مواضع سیاسی نسبت به فرق اسلامی

فرصت‌های نظام اسلامی

۱. چهره مثبت جهانی به دلیل چند دهه مقاومت در برابر استکبار
۲. اعتماد اکثر گروه‌های مبارز اسلامی و غیراسلامی جهان به ایران
۳. درگیری درونی فرقه‌های تکفیری
۴. عقاید خشک، خشن و ضد عاطفه و فطرت بشری دشمنان نظام اسلامی
۵. بروز جریان‌های بیداری اسلامی در سال‌های اخیر
۶. افزایش چالش شرق و غرب و شکستن هژمونی جهان تک‌قطبی
۷. تضعیف فرسایشی دولت استکباری آمریکا، به دلیل دهه‌ها ناتوانی از حل معضلات جهانی
۸. یأس ملّت‌های جهان از تحقق شعارهای لیبرال‌دموکراسی به عنوان سمبل قدرت غرب

قوّت‌های نظام اسلامی

۱. بهره‌مندی از حمایت‌های مردمی و ثروت عظیم اعتماد عمومی
۲. وجود رهبری آگاه، مقتدر، مدیر و مدبّر
۳. سعه صدر نهادینه شده در مذهب رسمی کشور در تحمّل سایر مذاهب
۴. همراهی اقلیت‌های دینی و مذهبی با شعارهای وحدت ملّی نظام اسلامی
۵. وجود حکم «تقیه» به عنوان یک اصل راهبردی تعبیه شده از سوی شارع در جهت حفظ وحدت اسلامی
۶. آزاداندیشی و عدم تعصّبات جاهلانه در اکثریت ملّت ایران
۷. فهم عمیق ملّت ایران نسبت به ملاحم و فتن آخرالزمان به تبع پیروی از سیره اهل بیت صلوات الله علیهم
۸. آزادگی ملّت از قیود دنیوی و آمادگی برای ایثار، به دلیل اتکا بر سیره حضرت سیدالشهدا علیه السلام
۹. جوان بودن نسل ملّت ایران، عامل اقتدار و هراس دشمن

ضعف‌های نظام اسلامی

۱. خود پنهان کردن اندیشه‌های تکفیری در لابه‌لای تفکرات اسلامی
۲. سرعت کاهش رشد جمعیت و احتمال پیر شدن ترکیب جمعیتی در سنوات آتیه
۳. وجود بعضی عالمان بی‌بصیرت، ناآگاه از شرایط جهانی و دامن‌زننده به اختلافات مذهبی
۴. روند بی‌اعتمادسازی ملّی به دلیل عدم شفافیت پاره‌ای فعالیت‌های اقتصادی نهادهای نظام
۵. ضعف شدید رسانه‌های داخلی در شعله گرفتن شایعات و سوزاندن اعتماد مردم
۶. تحجّر و تردید اقشار مردم در موضوعات مرتبط با وحدت اسلامی، به دلیل عدم تبیین شفاف موضع نظام
۷. بوروکراسی شدید اداری و ناکارآمدی نظام اجرایی و نظارتی، سبب عدم اطلاع سریع و صریح از ظلم‌های خُرد و کوچکی که در شاخ و برگ ادارات بر ملّت روا داشته می‌شود و ایجاد نارضایتی می‌نماید.
۸. عدم اطلاع پاره‌ای از نخبگان و مردم از رویکرد صریح نظام در موضوع وحدت امت اسلام و چگونگی مواجهه با موضوع اقلیت‌های مذهبی و قومی
۹. اهمال دولت در تدوین بسته سیاستی منسجم برای مواجهه با جریان‌های ضد دینی که در قانون برنامه پنجم بر عهده وی نهاده شده است.^{۱۱}

دستیابی به راهبردها

برای دستیابی به راهبردهای نظام اسلامی در موضوع وحدت امت اسلام، چهار همپوشانی و تقابل ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

۱. همپوشانی **قوت‌ها** و **فرصت‌ها**

۲. تقابل **قوت‌ها** با **تهدیدات**

۳. تقابل **ضعف‌ها** با **فرصت‌ها**

۴. همپوشانی **ضعف‌ها** و **تهدیدات**

راهبردهایی که در بخش مربوطه فهرست شده‌اند هر کدام متناسب با یکی از چهار همپوشانی یا تقابل فوق طراحی شده و به غرض بهره‌برداری بیشتر از فرصت‌ها یا غلبه بهتر بر تهدیدات مد نظر قرار گرفته‌اند.

چهار دسته راهبردهای: تهاجمی، اقتضائی، انطباقی و دفاعی، که پاره‌ای به صورت مشترک و پیوسته با هم ذکر شده‌اند اساس راهبردهای طرح شده در این سند را شکل می‌دهند.



وظیفه نهادهای حاکمیتی نظام

نهادهای حاکمیتی نسبت به رویکردی که نظام اسلامی به وحدت کلمه امت اسلام دارد وظایفی دارند که فهرست اجمالی آن به قرار ذیل است:

نهادهای قضایی

۱. جرم‌انگاری رفتارهای مخلّ به وحدت امت اسلام
۲. اعتمادسازی نسبت به عدم پیگرد قضایی به صرف داشتن گرایش و اعتقاد خاصّ
۳. تعیین قلمرو و مصادیق اجرای مناسک مذهبی مجاز و تبیین حدّ و حدود روشن آن
۴. برخورد سریع، پر قدرت و شدید با مصادیق مجرمانه آسیب‌زننده به یکپارچگی نظام

نهادهای تقنینی

۱. ملاحظه عدالت اسلامی در تدوین قوانین ناظر به توزیع مواهب الهی و عمران و آبادانی
۲. تداوم پذیرش نمایندگان ادیان و مذاهب، متناسب با جمعیت، در جمع خود
۳. نظارت بر حسن اجرای مساوات در توزیع امکانات توسط دستگاه‌های اجرایی
۴. بررسی دقیق و تصویب قوانین پیشنهادی نهادهای قضایی در خصوص مذاهب و امت اسلام
۵. تعیین ضوابط تشخیص و احراز صلاحیت‌ها برای تصدّی مشاغل حسّاس

نهادهای اجرایی

۱. مبادرت به عمران و آبادانی تمام جغرافیای نظام اسلامی
۲. تلاش در مسیر توسعه فعالیت‌های اقتصادی مولّد همه آحاد جامعه
۳. به‌کارگیری نیروهای شایسته از همه مذاهب، پس از احراز صلاحیت طبق ضوابط
۴. رسیدگی خارج از نوبت به نیازمندی اقلیت‌های دینی و مذهبی از باب تألیف قلوب
۵. بروز سعه صدر اسلامی در مواجهه با تمامی مراجعین از تمامی مذاهب و گرایش‌ها
۶. تنظیم سند جامع «حقوق اجتماعی امت اسلام» برای همگرایی پرسنل اداری و اجرایی کشور

نهادهای اطلاعاتی و امنیتی

۱. شناسایی رفتارهای پنهانی و مخفیانه مجرمانه علیه امنیت امت اسلام



۲. تحقیق و کنکاش در عوامل بر هم زننده وحدت و یکپارچگی امت اسلام
۳. رصد مراکز حساس و پیش‌بینی بروز فتنه‌های آسیب‌زننده به وحدت نظام اسلامی
۴. ردیابی روابط پنهانی عوامل استکبار جهانی در مسیر ایجاد اختلاف بین مذاهب
۵. یافتن مراکز تجمع فتنه‌گران و اقدام به عنوان ضابط قضایی
۶. احراز ضالّه بودن فرقه‌ها بر اساس تناسب رفتار ناهنجار پیروان با اندیشه‌های ترویجی آن فرقه

نهادهای آموزشی

۱. عدم اصرار بر تغییر مذهب اقلیت‌ها به مذهب رسمی
۲. تأکید بر آگاه‌سازی آحاد جامعه نسبت به مبانی مذهب رسمی در قالب واحدهای آموزشی
۳. اجازه آموزش مبانی مذاهب غیرضالّه در میان پیروان خود
۴. آموزش‌های پیشگیرانه نسبت به آلوده شدن به شبهات تکفیری

نهادهای پژوهشی

۱. تخصیص بخشی از توانمندی خود برای پژوهش در اشتراکات مذاهب
۲. پرداختن به فقه مقارن و تطبیق نظریات علمی مذاهب
۳. هجمه شدید علمی به اندیشه‌های تکفیری و پاسخ‌گویی به شبهات آنان
۴. افزایش تعامل با نهادهای پژوهشی سایر مذاهب و بلاد اسلامی در راستای افزایش وحدت امت اسلام
۵. فراهم نمودن فضای نخبگانی و علمی برای طرح تمامی آراء چالش‌برانگیز و پاسخ دادن به آن آراء
۶. هدایت تمامی مدعیان فرق ضالّه به فضاهای خاص نخبگانی برای طرح آراء خود
۷. تولید آثار پژوهشی روشن‌گر تلاش استکبار جهانی در ایجاد تفرقه بین مذاهب

نهادهای تبلیغی

۱. آگاه‌سازی مردم نسبت به وظایف آحاد جامعه در راستای حفظ امنیت و یکپارچگی امت اسلام
۲. تبیین توطئه دشمن در تئوری «تفرقه بیانداز، حکومت کن»
۳. معرفی «تقیه» به عنوان ابزاری اسلامی در راستای ارتقاء وحدت امت اسلام
۴. تبیین مرارت‌های متحمل شده توسط معصومین، علیهم صلوات الله، در راستای حفظ اسلام
۵. حضور در اجتماع اقلیت‌های مذهبی و اظهار ملاطفت و احترام اسلامی
۶. دعوت از حضور سران و پیروان مذاهب اقلیت در مناسک مذهبی رسمی کشور
۷. تلاش برای حضور حداکثری پیروان تمامی ادیان و مذاهب در مسائل اصلی نظام اسلامی، مانند: راهپیمایی‌ها، انتخابات‌ها و اعیاد، به عنوان راهکاری برای ایجاد روحیه یأس در قلب دشمنان جهان اسلام
۸. اعتمادسازی نسبت به صداقت نظام اسلامی در موضع‌گیری نسبت به اقلیت‌ها

نهادهای رسانه‌ای (صداوسیما، روزنامه‌ها، نشریات و...)

۱. تشویق تهیه‌کنندگان رسانه به تولیدات مروج وحدت امت اسلام و کاهنده برخوردهای مخرب اجتماعی
۲. تبیین استراتژی «وحدت با حفظ هویت» در عرصه رسانه
۳. پرهیز از دامن زدن به اختلافات مذهبی
۴. منحصر کردن مباحث اختلافی و بررسی‌های پژوهشی مذهبی به شبکه‌ها و بخش‌های خاص علمی و تخصصی که معمولاً مخاطب نخبگانی دارند، نه همگانی
۵. ترویج سعه صدر اسلامی در همه اقشار جامعه



وظیفه جامعه اسلامی

تنها راه حفظ اسلام در برابر هجوم‌های استکبار جهانی و دشمنان تعالی و رشد بشر، تلاش برای حفظ و ارتقاء وحدت امت اسلام است. این مهم عملاً بر دوش تمامی آحاد جامعه می‌باشد و استثناء ندارد. همه مسلمانان مکلف هستند در این راه گام بردارند و حفظ ارزش‌ها را در کنار حفظ یکپارچگی تعقیب نمایند.

نخبگان، اندیشمندان و خواص

در این میان اما نخبگان و اندیشمندان که خواص جامعه اسلامی محسوب می‌گردند بیشتر از سایر آحاد جامعه مکلف می‌باشند. نخبگان همان عناصر فرهنگ‌سازی هستند که به جهت متبّع بودن آرائشان نزد پاره‌ای از بدنه نظام اجتماعی و مورد اعتماد بودن و محل وثوق، هر رأی و نظرشان و هر رفتار و عملشان بر طیف گسترده‌ای از جامعه به صورت مباشر و گاهی غیرمباشر تأثیر می‌نهد. این افراد وظایفی به شرح ذیل دارند:

۱. دقت، تأمل و اندیشه در راهبردهای وحدت امت اسلام و یافتن راهکارهای حفظ و ارتقاء آن
۲. تعامل با نخبگان سایر فرق و مذاهب
۳. ترویج گفتمان وحدت اسلامی با توجه به طرد فرق ضالّه
۴. جایگزین نمودن فرهنگ گفتگوی علمی، با درگیری متعصبانه در منازعات مذهبی
۵. یاری رساندن حاکمیت در انجام وظایف خود با هدایت و حمایت مسئولین

گروه‌های مرجع هنری و ورزشی

آن قسمت از بدنه جامعه که به دلیل موفقیت‌های هنری مورد توجه بخشی از مردم می‌باشند، مانند: شعرا، مداحان، سینماگران و... یا به دلیل موفقیت‌های ورزشی، معمولاً از سوی طیف وسیعی از جامعه خصوصاً در سنین نوجوان و جوان به عنوان الگو شناخته می‌شوند، نیز وظایف سنگین‌تری نسبت به سایر اقشار دارند.

۱. از صحبت‌ها و رفتارهای تفرقه‌آمیز پرهیز نمایند
۲. رویکرد مثبت خود را نسبت به حفظ وحدت اسلامی آشکار کنند
۳. در صورت انتشار شایعات تفرقه‌افکن، فوراً از فرق ضالّه و فتنه‌گر برائت جویند

بدنه مردمی نظام اسلامی

۱. نسبت به همه اقشار جامعه اسلامی مدارا و تحمل نمایند



۲. از گفته‌ها و رفتارهای تفرقه‌افکنانه دیگران به مثابه منکر نهی نمایند^{۱۲}
۳. در حضور اقلیت‌های مذهبی، به احترام وحدت امت اسلام، آن بخش از مذهب خود را که می‌تواند موجب تفرقه و اختلاف و چالش باشد بروز ندهند و آشکار نسازند.
۴. یکدیگر را به صبر و مدارا توصیه نموده و آگاه نمایند که دشمن نظام اسلامی چگونه در کمین اختلافات نشسته، تا جبهه واحد اسلامی را تکه‌پاره نموده و بدرد.
۵. نسبت به گفته‌ها و رفتارهای مسلمانان با حُسن ظن قضاوت نموده و تا پیش از احراز انگیزه‌های خائنانه بنا را بر براءت بگذارند.
۶. مترصد ندای یاری نظام اسلامی باشند، تا در بزنگاه‌های فتنه به سرعت در صحنه حاضر شده و چشم فتنه‌گران و فرق ضالّه و ضربه‌زننده به وحدت امت اسلام را کور نمایند، گروه‌هایی که ابزار سلطه نظام استکبار جهانی گشته‌اند.
۷. توجه به این نکته که قدرت نظام اسلامی به وحدت کلمه است و این وحدت در صورت بروز رفتارهای خودجوش مردمی و خارج از ضوابط و کنترل‌های اجتماعی به چالش کشیده می‌شود. در غبار فتنه‌گری‌ها بدنه جامعه باید در جستجوی موضع‌گیری‌های صریح خواصّ اهل حق باشد، تا خدای نکرده آب به آسیاب دشمن نریزد و بر طبل تفرقه و جدایی نکوبد.



وضعیت سند

سند حاضر در صدد «تغییر رویکرد» یا «تغییر تکالیف» و یا «افزایش مسئولیت‌ها»ی نظام اسلامی و نهادهای تابعه آن نمی‌باشد. بلکه تنها بیانگر و تبیین‌کننده رویکردی است که نظام اسلامی از بدو پیدایش نسبت به اقلیت‌های مذهبی و دینی داشته و به صراحت در قانون اساسی بیان نموده و توصیف‌کننده تکالیف و وظایفی است که نهادهای حاکمیت و اقشار مردم تا کنون بر عهده داشته و همچنان بر دوش دارند.

این سند بر اساس گزارش‌های تهیه شده از نشست‌های و با اتکا بر نظرات اعضای شورای پژوهشی تدوین شده است و از مرامنامه و خط‌مشی حزب جمهوری اسلامی نیز بهره برده است.

بخشی از سند حاضر توسط حجة الاسلام تهیه گردیده که توسط حجة الاسلام موشح بازتنظیم شده و به عنوان پیش‌نویس در دوم اردیبهشت ۱۳۹۳ تقدیم شورای پژوهشی شده است.

تمامی فعالیت‌های پسینی بر این سند در این بخش اضافه می‌گردد، تا به عنوان سابقه حفظ شود؛ از قبیل ویرایش، تصویب و ابلاغ رسمی.

این سند در صورت تصویب در شورای پژوهشی به کمیسیون ارائه شده و در صورت تصویب به رؤیت اعضای محترم جامعه مدرسین خواهد رسید. ح

۱. مؤمنون: ۵۲، مشابه: انبیاء: ۹۲

۲. اصل ۱۱ قانون اساسی: به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امة واحدة و أنا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

۳. اصل ۱۴ قانون اساسی: به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الدین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و

قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

۴. اصل ۲۲ قانون اساسی: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۵. اصل ۲۳ قانون اساسی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار دارد.

۶. اصل ۲۶ قانون اساسی: احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

۷. اصل ۳۷ قانون اساسی: اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۸. اصل ۹ قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

۹. بقره: ۱۹۱، مشابه: بقره: ۲۱۷

۱۰. حجرات: ۱۳

۱۱. ماده ۵ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران: به منظور تبیین مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ غنی قرآن کریم، انقلاب اسلامی و اندیشه های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و نیز شناساندن و معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و گسترش خط و زبان و ادبیات فارسی به ویژه برای ایرانیان خارج از کشور، با تأکید بر تقریب مذاهب اسلامی و تقویت گفت و گو و همگرایی بین پیروان ادیان و نخبگان علمی و فکری جهان و توسعه ارتباط و همکاری با مراکز ایران شناسی، اسلام شناسی و صیانت از مفاخر معنوی، فرهنگی و علمی «سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین الملل» تا پایان سال اول برنامه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) با همکاری وزارت امور خارجه و سایر دستگاه های مرتبط، شورای عالی حوزه علمیه قم و جامعه المصطفی العالمیه تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

۱۲. اصل ۸ قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند. «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

